



عکس مقابله، دانش آموزان روستای ساحلی (داهومه) را نشان می‌دهد که کتابهای درسی گرانبهای خود را روی سر گذاشته‌اند. افزایش تولید کتاب در کشورهای در حال توسعه بنوع قابل ملاحظه‌ای از سرعت خود گامته است، زیرا این کشورها مجبورند کاغذ را از خارج وارد کنند و با ارزهای محکم نیز بهای آنرا پردازند. جمع آوری کاغذهای دور ریخته، در مقیاس صنعتی، ضمن آنکه منابع جنگلی را حفظ می‌کنند از آلودگی می‌کاهد، می‌تواند در سبک کردن این بارگران نیز مؤثر باشد. سمت چپ، لوله‌های متوایی که با کاغذهای دور ریخته، ساخته شده است.

Photo Bernheim - UNICEF

جهان سوم

شکفتگی کتاب و جوانان

نوشته. ی. و. لاکشمانارائو

در جریان زندگی من، چندین بار این یا آن فرقه مذهبی که اعتقادات جبری دارند، پایان جهان را پیش‌گویی کرده‌اند، حتی برخی از پیروانشان تا آنجا پیش رفتند که داروئدارشان را هم قسمت کردند. اگر امروز من سهامی در یک بنگاه انتشاراتی داشتم، شاید می‌بایست آنها را می‌فروختم، چون از هم اکنون تکنوکراتهای

ی. و. لاکشمانارائو «Y. V. Lakshmana Roa» متخصص هندی در امر ارتباطات جمعی، مدیریت مرکز آسیایی تحقیق و اطلاعات درباره ارتباط جمعی را که مقرآن در سنگاپور است، برعهده دارد. او مدت چهار سال (از ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۹) عضو بخش توسعه و وسایل خبری در یونسکو بوده است و علاوه بر آنکه سابقاً معاونت موسسه مطبوعاتی هند در دهلی نورا برعهده داشته، در موسسه تحقیق درباره ارتباطات دانشگاه استانفورد (ایالات متحده آمریکا) نیز کار کرده است.

جبری، مرگ کتاب را اعلام کرده‌اند. ما اهالی کشورهای در حال توسعه که هنوز از تمام مواهب زندگی برخوردار نشده‌ایم، بسیار مایلیم که زندگی ادامه پیدا کند؛ همچنین به مجموعه وسایل ارتباطی که امروز آنرا وسایل ارتباط جمعی می‌نامند (و کتاب هم یکی از آنهاست) علاقه مندیم. این وسایل امکان می‌دهند که معلومات بدست آمده و اخبار و اطلاعات جدید به نسلهای جوان ما منتقل شوند.

آیا الزامی داریم که از این وسایل ارتباط جمعی، برخی را انتخاب کنیم؟ یا باید در حد امکاناتمان، در عین حال از کهنه و نو بهره جوئیم؟ آیا باید تمام وسایل را اعم از الکترونیک و چاپی، در یک طبق بگذاریم، یا به بهترین وسیله و امکان یعنی وسایل ارتباط شفاهی متوسل شویم؟

اگر ملاحظیات مربوط به بها را کنار بگذاریم، هیچ يك از محققانی که این مسئله را مورد بررسی قرار داده‌اند، تاکنون تركوسایل کهن یا استفاده انحصاری از وسایل جدید را توصیه نکرده‌اند. این مطلب هم درباره کشور-های در حال توسعه صادق است و هم در مورد کشورهای صنعتی، که در آنها صنعت چاپ با وسایل جدید ارتباط جمعی در حال رقابت است. برائتر سالها تحقیق و تجربه در این کشورها، معلوم شده است که وسایل ارتباط جمعی یکدیگر را از میان نمی‌برند؛ و هیچگاه بطور کامل محو نمی‌گردند، بلکه اگر بتوانند خود را با شرایط نوین انطباق دهند و نقشهای جدید خود را که تکمیل و غنی‌تر کردن یکدیگر است ایفا کنند، مانند زوج افسانه‌یی مادر شوهر - عروس می‌توانند در کنار هم، بطور مشترک و در



Photo © Unilever Ltd., London

آسایشی نسبی بسر برند. اگر طی این جریان، مثلا قرار باشد کتاب به «غیرکتاب» مبدل شود و تلویزیون بتدریج خبری و آموزشی گردد، بسیار خوب است، ولی ما از آنچه در آینده پیش خواهد آمد، هیچ اطلاعی نداریم.

واقعیت زندگی در کشورهای درحال توسعه چنین ایجاب می کند که از در پیش گرفتن راههایی که ناشی از احساس باطنی (و شاید حالت شیفتگی) است، پرهیز شود، حتی اگر احتمالا بعد معلوم شود که چنین راههایی درست بوده است. نه تنها این امکان فراوان است که احساس باطنی به اشتباه رود، بلکه در این صورت، مخارج کار هم برای کشورهای درحال توسعه گزاف و تحمیل ناپذیر است.

ما منکر این نیستیم که وسایل جدید ارتباط جمعی می توانند نقشی قابل ملاحظه در تلاش این کشورها در راه رشد و توسعه بازی کنند. معذک باد نظر گرفتن منابعی که در آینده و تا مدتی نسبتا طولانی، در دسترس خواهد بود، لازم است که در زمینه رشد و توسعه ارتباطات، سهم عمده ذخیره و پختن خبر، علیرغم ظهور وسایل ارتباطی الکترونیک و ماساشینهای حسابگر، برعهده نوشته چاپی گذارده شود. لازم است که کتاب همچنان به پختن اخبار و معلومات مورد نیاز اهالی متوسط کشور ادامه دهد تا آنان بتوانند بطور کامل در تغییراتی که در اطرافشان بوجود آمده است، شرکت جویند. این معنی بویژه در مورد جوانان کشورهای

در حال توسعه مصداق دارد. متأسفانه انقلاب در امر ارتباطات تنها انقلابی نیست که اکنون در کشورهای در حال توسعه پیدا شده است. انقلابهایی که در غرب بوجود آمد - انقلاب سیاسی، صنعتی، اجتماعی و فنی - امروز بطور فاجعه آلود در آن واحد در کشورهای درحال توسعه جریان دارد. ولی مردمی که در جریان این انقلابها قرار گرفته اند، بطور نسبی تجربه و شناسایی کمتر، نیازهایی فوری تر و منابعی بسیار محدودتر دارند.

در ضمن بر اثر انقلاب در امر ارتباطات، این مردم علاوه بر انقلابهای خود، با پیشرفتهای فنی و غیره نیز که در غرب بوجود آمده است، روبرو هستند. در حدی که حوادث، افکار و مسائل غرب، کشورهای در حال توسعه را تحت تاثیر قرار می دهد، شاید لازم باشد که این فرضیه که دنیا در حال تبدیل به «یک جامعه جهانی» است، معتبر تلقی شود. اما پیدایش فوری انترناسیونالیسم را انتظار داشتن، ناشی از عدم واقع بینی است.

در واقع بنظر می رسد که یکی از نیازهای اساسی کشورهای درحال توسعه، درست یا غلط، پرورش یک احساس همبستگی ملی است، که برای تکوین یک ملت، شرطی لازم است. رهبران کشورهای در حال توسعه هم اکنون می کوشند تا این احساس ملی را به مردمان خود القا کنند و در همین حال با شرکت در مجامع بین المللی، در راه ایجاد «جامعه جهانی» سعی

می کنند. کشورهای درحال توسعه، معمولا با مسئله جماعات روستایی درگیرند، یعنی با روستاهای واقعی که اکثریت بزرگ ساکنانشان، افرادی بی سواد، بی اطلاع، فاقد معلومات اساسی لازم در امر رشد و توسعه هستند و از مفاهیم اصلی و بنیانی تجدد و نوسازی خبر ندارند. حتی پسران و دختران جوان این روستاها نیز از این معلومات بی بهره اند.

بعکس در شهرها، جوانان که نسبتا با فرهنگترند، با نوعی ابهام و تزلزل فکری دست بگریبانند و این امر باعث ایجاد ناراحتی در ایشان و در جامعه بی که آنها را در بر می گیرد می شود. آنان احساس قومیت شدیدی ندارند ولی خو در حقیقتا انترناسیونالیست هم احساس نمی کنند.

مشکل رهبران این جوامع آنست که این احساس تعهد را به جوانان القا کنند تا آنان بتوانند جای واقعی خود را در اجتماع بازیابند. به این منظور ضرورت دارد درباره جامعه بی که در آن زندگی می کنند، شناسایی های لازم را داشته باشند. می بایست تاریخ و فرهنگ این جامعه را بدانند و اگر قرار است وسایل ارتباطی در این انتقال خبر و دانش نقش مهمی برعهده داشته باشند، مسئله بی که باید به آن پاسخ داد از این قرار است: آیا این کشورها باید از وسایل ارتباطی موجود استفاده کنند یا منتظر بمانند که وسایل جدید، برای پاسخ گویی بقیه در صفحه بعد

از انتقال شفاهی تا انتقال کتبی

به نیازهای روزافزونشان، بقدر کافی رشد و تکامل پذیرد؟

می‌دانیم که ماهیت «دستاوردهای جامعه» تغییر کرده و انتقال از راه شفاهی جای خود را به انتقال کتبی داده است. کشورهای درحال توسعه در این مرحله قرار دارند. آنها می‌دانند که دستاوردهای چاپی را می‌توانند فوراً در اختیار داشته باشند. همچنین می‌دانند که این دستاوردها به نسلهای جوان، مانند نسلهای پیشین امکان می‌دهد تا با تاریخ فرهنگ و تمدن خویش آشنا شوند.

مزایای اوراق چاپی و کتاب بحدی روشن است که نیازی به تفصیل ندارد. نوشته چاپی همواره آماده است هنگامی که جوانان برای دریافت آن آمادگی پیدا کنند و حوصله مراجعه به کتاب را داشته باشند، معلومات مورد نظر را در اختیارشان قرار دهد.

همچنین می‌دانیم که وسایل جدید ارتباطی الکترونیک بعلت محدودیت‌های ذاتی خود، این مزیت را ندارند که بطور دلخواه در زمان، وقت و حد کمتری در مکان، مورد استفاده قرار گیرند. در این درجه از رشد، وسایل ارتباط الکترونیک نیز فاقد عمق لازم برای درک کامل بسیاری از فنون پیچیده جریان تولید و مسائل انسانی جامعه هستند.

بدین ترتیب، رهبران این کشورها مزایای کاملاً واقعی انتقال معلومات از راه نوشته چاپی را فدای امکانات فرضی وسایل جدید ارتباطی نمی‌کنند، زیرا امکانات این وسایل در انتقال مؤثرتر معلومات «از راه تمام حواس»، بویژه بادر نظر گرفتن هزینه‌های گزافی که مستلزم آنست، هنوز با یقینی معقول و منطقی به اثبات نرسیده است.

و نیز باید در نظر گرفت با آنکه دوران الکترونیک در کشورهای صنعتی، دوران چاپ را پشت سر گذاشته است، اما نوشته چاپی در مناطق وسیعی از جهان، هنوز راه کمال را نیپوده است. بعلاوه نباید فراموش کرد که این کشورها هنوز در مرحله «فرهنگ شفاهی» قرار دارند و در حالت «قبیله‌ی» پسر می‌برند. اگر مسئله کشورهای صنعتی، «قبیله‌ی» کردن مجده انسانهاست، درباره کشورهای که هنوز از حالت قبیله‌ی در نیامده‌اند، چه باید گفت؟ اشاره ما بجوامعی است که در آنها، حتی جوانان تصدی احساس نمی‌کنند و با آنکه دریک «فرهنگ شفاهی» پسر می‌برند، تماشاگرانی غیر فعال بیش نیستند و این حالت را نفرین دوران چاپ تصور می‌کنند. ورود مستقیم به دوران الکترونیک، بیش از آنکه از چاپ استفاده شود، آیا به شکل دیگری از «قبیله‌ی» کردن انسانها خواهد انجامید که بنوبه خود به تمهد، شرکت

و عمل منتهی خواهد شد؟

درست است که در کشورهای صنعتی، اختراع تلویزیون و رشد و تکامل خارق‌العاده آن باعث پیش‌بینی‌های بسیاری شده است که براساس آن، تلویزیون ضربه نهایی را به کتاب خواهد زد و آن را بصورت بقایایی از زمان گذشته در خواهد آورد، و تمدنی مبتنی بر حروف و حرکات را در جهان خواهد گسترده. اما جهش و رشد اولیه تلویزیون به حالتی از ثبات رسیده و آشکار شده است که کتاب هم چنان باقی خواهد ماند.

دوران چاپ که در مرگش اینهمه مرثیه سروده‌اند، هنوز در کشورهای در حال توسعه به شکفتگی کامل نرسیده است. وقتی کتاب رسالت خود را به انجام رساند. اگر چنین چیزی ممکن باشد و مسئولیت خود را به وسایل جدید ارتباطی تقویض کرد، شاید در آن زمان، این کشورها مرگ این وسیله انتقال معلومات را بپذیرند. معذک فعلاً هیچ نشانه‌ی از پیری و فرسودگی در کتاب مشاهده نمی‌شود. کتاب هنوز، تمام ظرفیتهای خود را بروز نداده است، و در حال حاضر، کسانی که مسئولیت پیدایش و رشد آنرا بر عهده دارند، با حرارت تمام سرگرم حل مسائلی هستند که رشد این «کودک» مطرح ساخته است.

اغلب آنان جزء نسلهای جوان این جوامع هستند و دیدی خاص از آینده دارند. آنان به خواندن کتاب اکتفا نمی‌کنند بلکه کتاب هم می‌نویسند. آنان می‌دانند که برای گسترش احساس تمهد مشارکت خود، از راه نوشته چاپی می‌توانند افراد بیشتری را مخاطب قرار دهند. وسایل ارتباطی الکترونیک، چنین مزایایی را به ایشان نمی‌دهد، زیرا نفس انتقال این افکار و نیز میزهای که همواره در مورد آن صورت می‌گیرد، اثر این وسایل جدید را محدود می‌کند. در کشورهای در حال توسعه، وسایل ارتباطی الکترونیک همه‌جا زیر نظارت و ددست حکومتهاست.

این جوانان همچنین می‌دانند که بوسیله کتابهایی که در کتابخانه‌ها قرار دارند، می‌توانند فرهنگ خود و فرهنگ دیگران را بشناسند، چرا که این کتابها در دسترس آنان است و ایشان می‌توانند اطلاعات مورد نیاز خود را از این راه بدست آورند. ارقام موجود در بناره مراجعان کتابخانه‌ها به نحوی قاطع ثابت می‌کند که اکثریت این مراجعان را جوانان تشکیل می‌دهند و نیاز فوری اینان به آموزش، فقط تا حدی بیان کننده چنین وضعی است.

این دلایل در مورد مصرف نوشته چاپی فقط منحصر بکشورهای در حال توسعه نیست. تاحدی این مطلب درست است که نظام آموزشی،

و سنتی که در آن، فرد تجربه آموزشی خود را درون ساختمان صوری آن نظام بدست می‌آورد، در ارقامی که بیان کننده مصرف وسایل ارتباطی‌اند، تأثیر می‌گذارد.

اما بویژه برای کشورهای در حال توسعه که نوشته چاپی عملاً تنها وسیله خبری آنهاست، چه راه دیگری وجود دارد؟ (فراموش نکنیم که بسیاری از رهبران این کشورها هر اندازه هم به «جامعه جهانی» علاقه‌مند باشند، نه می‌خواهند و نه می‌توانند، محصولات تلویزیونی را به جوانان خود تحمیل کنند که فرهنگهایی کاملاً متفاوت از فرهنگ ایشان، آنرا تولید و صادر می‌کند. نظر آنان در درجه اول معطوف به جوامع روستایی خودشان است که کاملاً واقعی هستند و جوانان در آن، حتی بدون پیدا کردن يك احساس همبستگی ملی، رشد می‌یابند.

این جوانان، علاوه بر تماسی که در مدرسه، کتابخانه، و منزل با نوشته چاپی دارند، در صورت دسترسی بوسایل الکترونیک از پسر حرارتترین مصرف کنندگان آن نیز هستند. آنان می‌فهمند که وسایل مختلف ارتباطی یکدیگر را تکمیل می‌کنند، هم چنانکه می‌دانند پدران یا استادانشان منبع هر نوع حکمتی نیستند. آنان گاه به تلویزیون نگاه می‌کنند ولی از تمام وسایل ارتباطی تحت اختیار خود هم استفاده می‌برند.

متأسفانه در کشورهای آنان، انتخاب نسبتاً محدود است و مقدار کمی را که از راه یکی از وسایل معین فرا می‌گیرند، باید با آنچه وسیله دیگر می‌تواند به آنان بدهد، تکمیل کنند. آنان امروزه آگاهی دارند که فنون سمعی-بصری فقط تاحدی می‌توانند آنان را آگاه سازند و لازم است برای یادگیری عمیق، به کتاب باز گردند.

شاید فردا بتوانند از راه فنون سمعی-بصری، در زمان و مکانی معین، مطالب بسیاری را بیاموزند، ولی این امر هنوز به آینده‌ی مبهم بستگی دارد.

در نظر این جوانان، وسایل بیان انسان از زمانهایی که خاطره‌ی از آن وجود ندارد، برجای مانده است؛ چاپ هم از همین زمانها موجود بوده است، و وسایل سمعی و بصری، با آنکه پیش بینی شده است که این وسایل باید در اختیار تعداد روزافزونی از افراد باشد، فقط در دسترس معدودی افراد ممتاز قرار دارد. اما کتاب همه‌جا در زندگی ایشان موجود است؛ کتاب رادیروز داشتند، امروز دارند و فردا هم خواهند داشت.

آنان تلویزیون جهانی یا استفاده عمومی از ماشینهای حسابگر را در افق فردا نمی‌بینند؛ مرگ کتاب که جای خود دارد. ■